

انگیزه تداوم جنگ در افغانستان



داکتر بصیر کامجو

انگیزه تداوم جنگ در افغانستان

نویسنده : دکتر بصیر کامجو

مرام اساسی این نوشته قبول یک رسالت میهنی ، وجدانی و اخلاقی است . با حسن نیت از تمام شهروندان و جوانان کشور ، اعم از ازبیکها ، هزاره ها ، پشتونها و تاجیکها ، هندوها و سایر اقلیت‌های ساکن این سرزمین آرزو برده می شود که با احترام به مادر وطن ، صلح و همزیستی مسالمت آمیز ،

بخاطر ار جگذاشتن به منافع مشترک ملی و بنام بازیابی عزت و افتخار کشور ، همبسته شوید . و در روند مبارزات حق خواهی و تغییر ، ابراز وجود نمائید و با پایمردی و استواری این رژیم غیر مشروع ، را به نظام مشروع و مردم سالار تعویض نمایند و با شعار :

بیبا تا گندم یک دانه باشیم بیبا تا آب یک رودخانه باشیم

را تا بلندای خودفرمانی ملی و تأمین عدالت اجتماعی در کشور همسو گام بگذارید .

به همه آشکار است که کشور ما فاقد استقلال سیاسی می باشد و بوسیله نهاد های سرمایه جهانی در رأس ایالات متحده آمریکا و بریتانیا اداره می گردد .

– نهاد های سرمایه جهانی به بهانه مبارزه علیه تروریسم و جنگ در افغانستان دارند که آرزوی

ماندن نیم قرن نیروی رزمی خویش را در این سرزمین به خواب می بینند .

– اما در حقیقت ، هدف و انگیزه اساسی ماندن نهاد های سرمایه جهانی در این کشور را ، مبارزه

علیه تروریسم تشکیل نمی دهد ، بلکه فقط بهره برداری از منابع سرزمینی و زیرزمینی عنانمند

این کشور و بی هویت سازی شهروندان بومی این وطن می باشد .

– متکی به این مرام ، نهاد های سرمایه جهانی با برنامه هایی از قبل سنجیده شده برای دستیابی

به اهداف سیاسی و اقتصادی خویش ، تلاش کردند تا از برخی رهبران و طنفروش پشتون همچو

ظاهر شاه ، حامد کرزی ، اشرف غنی احمدزی ، زلمی خلیل زاد ، گلبدین حکمتیار ، عبدالرب

سیاف ، عبدالله عبدالله ، حمایت همه جانبه نمایند و ازینرا موفق گردیدند تا یک دولت نامشروع

و فاقد استقلال سیاسی وابسته به نهاد های سرمایه جهانی زیر نام " ساختار سیاسی شوونیسم قبیله

افغان " را بوجود آورند . در استقرار و تشکیل چنین یک دولت غدار و جنایت پیشه ، دست سیاه برخی

از تیکه داران سیاسی تاجیکان ، هزاره ها و ازبیکها نیز دخیل می باشد . رسالت این دولت فرتوت

راسه اصل تشکیل می دهد

2 - تداوم قتل و کشتار و جنگ و جنایت بوسیله طالبان افغان علیه مردم غیر پشتون این سرزمین

3 - تأمین صد درصد منافع نهاد های سرمایه جهانی به رهبری آمریکا و انگلیسها در این کشور

- برای تحقق این سه اصل ، رهبری گروه طالبان در 18 سال اخیر منحصیث وسیله فشار در دست

نهاد های سرمایه جهانی و دولت قبیلوی کابل قرار داشته و طبق راهکار های دولت تک محور پشتونی در مواقع مختلف به منظور هر اساندن و سرکوب نمودن نیروهای فرهنگی و سیاسی و نظامی غیر پشتون بکار گرفته شده و می شود.

برای روشن شدن این مسئله که چرا در کشور ما قانون ، صلح و امنیت حاکم نمی شود با مطرح کردن

چند سوالی ، عوامل انگیزه های تداوم جنگ رابه تأمل می گیریم :

یک - چرا مردمان کشور ما، مانند سایر مردمان باعزت جهان ، نمی توانند در امنیت

و آرامش زندگی کنند . ؟

جواب - زیرا زندگی کردن در امنیت و آرامش ، مستلزم ممیزه های ذیل می باشد.

اول : وجود دولت قانونی و مردمسالار

دوم : داشت فرهنگ همدیگر پذیری

سوم : وجود متوازن شعور اجتماعی جامعه

دریغاً که میهن ما از یکسو هیچ یکی از این ممیزه های دولنداری را در خود ندارد و از سوی دیگر

رهبران عشایر افغان این دست نشاندگان نهاد های بیگانگان این رویکرد باورمند اند که ، با تأمین صلح و آرامش در کشور ، ساختار های قدرت و حاکمیت رژیم پشتونی فرومی ریزد و مرگ این ساختار قومی افغان ، در کشور فرامی رسد.

- به این موجب است که دولت تک صدای قبیله با تداوم جنگ و جنایت ، از استقرار دولت مردم

سالار و قانونی در کشور جلوگیری می نماید ، و در بدل آن یک رژیم استبدادی خودکامه غیر

مشروع وابسته بغیرا بالای مردم ما جبراً می قبولاند.

- همچنان دولت قبیله ، بیاداش فرهنگ همدیگر پذیری ، فرهنگ دشمنی ، کینه توزی و شرارت

، انشقاق و چندقانگی قومی را در کشور تشدید می بخشد.

- دولت قبیله بجای رشد متوازن شعور اجتماعی جامعه که یکی از ویژگی های مهم فرهنگ

همزیستی مسالمت آمیز در کشور می باشد ، بر عکس آن ! این دولت خون آشام پشتونی همیشه

تلاش ورزیده است که تا جلوی رشد متوازن شعور اجتماعی جامعه را سد واقع شود و بر حسب

پلان های سنجیده شده ، خواسته اند که تا یک بخشی از مردمان هم تبار پشتون خویش را در فقر دانش و بیسوادی قرار بدهند، و از اینرا بتوانند از لشکر بیسوادان و تاریک اندیشان پشتون ، طالبان آدمکش ، سربازان کور و مولدین مواد مخدر بسازند . و با تحقق این برنامه های سیاسی در زیر سایه جنگ ،

قتل و کشتار، انفجار و انتحار طالبانی، به حکومت بی و قار و سکبر و واپسگرایی قومی خویش
تداوم عمر بیخشند.

دو - چرا کشورما باید فاقد استقلال باشد و همیشه زیراستیلا یک کشور زورمند دیگری قرار داشته باشد؟

بخاطر اینکه در سه سده اخیر سرزمین های ایران (تاجیکان و پارسها و گردها) بوسیله قدرت های
بزرگ جهانی به کشور های کوچکتری تبدیل گردانیده شدند و قدرت سیاسی و رزمی آن جغرافیای سیاسی
در اختیار نیروهای ای که منشائیت مهاجرتی و مهاجمی در این سرزمین ها راداشتند تعلق گرفت :

بگونه نمونه انتقال قدرت بوسیله روسها به سالهای (1918 - 1930) در سمرقند و بخارا و خوارزم
از دست تاجیکان به ترکتاباران ، انتقال قدرت از خاندان پهلوی پارسیان ایران قدیم در جنوری 1979
به شهروندان عرب تبارکشور ایران کنونی ، محدود سازی امکانات نظامی و سیاسی برای همبستگی
ملی کردهای ترکیه و عراق و سوریه جهت تشکیل اقلیم کردستان ، محدود سازی خودمختاری تاجیکان
در تاشقوگان استان سنگ کیانگ چین ، همین قسم مبهم نگهداشتن سر نوشت تاجیکان در ساحات جامو
و کشمیر و سوات پاکستان ، انتقال قدرت و حاکمیت سیاسی در افغانستان از دست تاجیکان برهبری
برهان الدین ربانی در دسامبر 2001 به اقوام پشتونها به رهبری حامد کرزی و اشرف غنی احمدزی
... و غیره می باشد.

سه - چرا هیچگاه کشورما حاکمیت مشروع و مردم سالار را تجربه نکرده است؟

انگیزه اساسی نبود حاکمیت مشروع در افغانستان سوای ممیزه های فوق دارای سازه های سیاسی
زیرینمی باشد.

- چون کشورما به نسبت موجودیت منابع بزرگ زیرزمینی، یکی از دارا ترین کشورهای روی زمین
می باشد.

بدین جهت اگر در این کشور نظام سیاسی مشروع مردم سالار و قانونمند و متعادل حقوق از راه
برگه های رای و انتخابات آزاد شفاف و سری روی کار آید ، در آن صورت مردمان این سرزمین مالکان
واقعی این همه دارایی زیر زمینی و سرزمینی می گردند ، و با استفاده از این منابع این کشور را بسوی
رفاء و آسایش اجتماعی جامعه مدیریت می نمایند.

با تأسف که عملی شدن چنین آرمان مقدس هنوز در حیطه قدرت مردم ما نیست . زیرا نه رهبران
حاکمیت تک محور قبیله افغان و نه طالبان مسلح ، تمایلی به ایجاد نظام سیاسی مردمسالار ندارند و نه
مردم راهکارهای عملی تغییر نظام سیاسی را هنوز خوب آموخته اند.

حفظ این منافع مشترک تنها از راه تداوم جنگ و جنایت بوسیله دولت کابل با همدستی طالبان
افغان امکان پذیر است . ازین رهبران قبیله افغان و طالبان همتبار شان مشترکاً از تشکیل حکومت مردم
سالار و دموکرات جلوگیری می نمایند . و این دونهاد مشترک منافع (دولت کابل و طالبان) در سالهایی

که گذشت با ایجاد شرایط ترور و اختناق ، انتحار و انفجار ، موفق شده اند که همه منابع حقوقی ، و دارایی کشور را در اختیار خود در آورند.

اکنون دولت دست نشانده و غیرمشروع تک محور کابل با حمایت مستقیم طالبان و برخی کشورهای همسایه این کشور مارا در چنگال غاصب خود قرار داده است . و با دست باز از تمام منابع زیر زمینی و دارایی های این سرزمین استفاده اعظمی می نمایند.

چهارم - نگاهی به موجودیت منابع سرشار کشور ما ، که انگیزه تداوم جنگ در کشور را می سازد

- بقول خبرنگار نیویورک تایمز: افغانستان از دیدگاه ذخایر زیر زمینی به عنوان ثروتمند ترین کشور

جهان شناخته شده است. در روزنامه نیویورک تایمز آمده است که میزان ذخایر تازه کشف شده

که تاکنون در افغانستان **286 معدن فلزات** را کشف نموده اند. از آنجمله:

12 معدن مس ، 4 معدن طلا ، 5 معدن نقره ، 14 معدن کروم ، 8 معدن سرب ، 4 معدن مولی بودیم

، 7 معدن آلومینیم ، 6 معدن سیماب ، 14 معادن نمک ، معادن سنگ مرمر که به ارزش **150 میلیارد** دالر تخمین زده شده است ، **89 معادن آهن** هر یکی :

معادن آهن حاجیگگ بامیان ، معدن آهن ارغنداب ، معدن آهن سرخ کوتل هرات ، معدن آهن بهارک

بدخشان ، معدن آهن دامنه کوه پغمان در بالای حصه کوتی ، معدن آهن کوه جبل السراج ، معدن سبز

کوه خاک لمبه ، **معدن آهن شهرستان رخه پنجشیر**، **معدن آهن کوتل خاواک پنجشیر**، **معدن آهن**

شهرستان دره پنجشیر ، **معدن آهن پاراندر بازارک پنجشیر**، معدن آهن قول منار ، معدن آهن کوه قلعه

خواجه صاحب ، معدن آهن کوه شاخ برتنی ، معدن آهن شهرستان لولنج پروان ، معدن آهن دره میاداد

، معدن آهن دشت لوگر ، معدن آهن کوه قمچین باف میدان ، معدن آهن کوه اله بله ، آهن کرم جدران ،

آهن کوه شاقول و شیرداغ ، آهن سیاه تپه و فراخلوم بهسود لال ، آهن زرد شنوار ، **معدن آهن کوه شاه**

مسعودقندهار ، آهن کوه بچه گُرخ هرات ، آهن سیاه مشرقی ، آهن گلستان فراه ؛ معادن گوگرد و

زیاده از صد عناصر دیگری همچو معادن قلعی و نکل ... و غیره در افغانستان کشف و مورد مطالعه

قرار گرفته است.

قابل تذکر است که تنها آلیاژ یا کمیت فرآورده های فلزی : لیتیم ، آهن ، مس ، کوبالت و طلا

در افغانستان به اندازه است که می تواند این کشور را به دارترین کشور های مهم جهان تبدیل کند.

در گزارش روزنامه نیویارک تایمز آمده است که تنها **49 معادن لیتیم** در افغانستان به درازای **900**

کیلومتر و پهنای 200 کیلومتر از ولایت هلمند آغاز تا ولایت جلال آباد ، لغمان تا امتداد اشکاشم

بدخشان وجود دارد ، قیمت مجموعی آن بیشتر از کل نفت عربستان سعودی می باشد.

- براساس تحقیقات ناسا آمریکاییها با وسایل اشعه لیزر توانستند معادن عمق کوه ها را کشف

بررسی و عکسبرداری و تثبیت نمایند.

— بگونه نمونه از جمع 89 معدن آهن ، تنها معدن حاجی گگ به مقدار دو میلیارد تن ذخیره آهن دارد.

— پس از معدن آهن حاجیگک ، معدن آهن سیاه دره دومین معدن بزرگ آهن در کشور به حساب میآید. این هردو معدن در ولایت بامیان قرار دارند. براساس ارزیابیها میلیاردها تن آهن و زغال سنگ در این معدن وجود دارد و احتمال میرود که ذخایر معدن آهن سیاه دره آن بیشتر از معدن حاجیگک باشد. ساحه اصلی این معدن 30 کیلومتر را در بر میگیرد.

— مهمترین معادن نقره کشور یا طلای سفید در بدخشان ، پنجشیر ، هرات ، قندهار ، غوربند ، و هزارستان قرار دارد .

پنجم - حالا چند قلمی از دارایی های سرزمینی کشور ما را به بیان می گیریم:

— در روزنامه نیورک تایمزگفته میشود که سالانه پنجاه میلیارد متر مکعب آب افغانستان به گونه ای رایگان به کشورهای همسایه سرازیر میشود که ارزش مجموعی آن 50 میلیارد دالر در هر سال برآورد شده است.

— به گزارش صدای آلمان (دوچه وپله) وبقول وزیر مبارزه با مواد مخدر(کوکنار) ، سالانه بیش از 9000 متریک تن مواد مخدر در 24 ولایت افغانستان تولید میشود که از آنجمله 4000 تن آن تنها در ولایت هلمند و 5000 تن آن در 23 ولایت دیگر.

— نهاد واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان اعلام کرد که نیم میلیون شهروندان کشور ما مشغول کاردر تولید و قاچاق مواد مخدر هستند.

— برپایه یک شمارش ساده میتوان گفت که از ترکیب وپروسس 17 کیلو گرم کوکناریک کیلوگرم هیروئین بدست می آید. یک کیلوگرم هیروئین در بازار آمریکا به ارزش 32 هزار دالر فروخته می شود.

— براساس گزارش فوق که در افغانستان هر سال 9000 تن کوکنار تولید می شود . از پروسس 9000 تن کوکنار 522000 کیلوگرم هیروئین تولید می گردد .

که قیمت مجموعی این رقم در بازار نیورک مبلغ (16704000000) شانزده میلیارد و هفتصدو چهار میلیون دالر محاسبه می شود.

— براساس ارزیابی جدید ناسای آمریکا معادن تانتالیم و اورانیم (U) در افغانستان در ساحه

خانشین ولایت هلمند به مقدار (1 , 400000) یک میلیون و چهارصد هزار تن متریکی و ذخایر نیوبیم ، فاسفورس و اورانیم به مقدار (3 , 500000) سه میلیون و پنجصد هزار تن متریکی ، و منابع دیگر اورانیم نیز در فرنجل و سیاگرد ولایت پروان ، کوه خواجه رو اش کابل و میرداود ولایت هرات ، وجود دارد.

– اکنون به نسبت کمبود منابع معتبر بین المللی مبنی بر مقدار تولید اورانیم در افغانستان ، و نبود قیمت ثابت فروش اورانیم در بازارهای بین المللی ، سبب گردید که ما نتوانیم درباره مقدار تولید و فروش اورانیم در کشور ما چیز درست و حسابی بنویسیم.

نتیجه گیری:

شهروندان گرامی این دارایی نامبرده فوق مال شماست.

– دولت کابل پیوسته بر هبری حامد کرزی و اشرف غنی احمدزی ، گروه طالبان را منحیث نیروی فشار به مرام هراسانیدن و مطیع ساختن مردم غیر پشتون (تاجیکان ، هزاره ها ، و ازبیکها) ، علیه آنها بکار گرفته می شود .

– هر نوع برنامه سیاسی رژیم قبیله افغان زیر نام صلح با طالبان دروغ محض است . زیرا رژیم عشایری کابل یعنی طالبان ، طالبان یعنی رژیم عشایری کابل ، این هر دو دوروی یک سکه بوده و لازم و ملزوم یکدیگر می باشند ، جدا از همدیگر نمیتوانند وجود داشته باشند. این یک حقیقت است که : فردا طالب نباشد رژیم کابل سقوط می کند و اگر رژیم کابل نباشد اصلاً طالبی وجود ندارد.

– برای اینکه مردم این دارایی سرسام آور را از چنگال دزدان درونی و بیرونی نجات دهند ، باید ابراز وجود و حقخواهی نمایند و با مقاومت و پایداری این رژیم غیر مشروع را به نظام مشروع و مردم سالار تبدیل نمایند.

در آن مرتبه هم صاحب وطن می شویم و هم صاحب دارایی ، هم دارنده عزت و افتخار و هم دارنده صلح و امنیت و آزادی و همبستگی ملی . و با اتکاء به نیروی انسانی مردم خویش و جلب عاقلانه همکاری کشور های پیشرفته و متمدن جهان میتوانیم کشور مان را آباد نمائیم .

بنأ دغدغه این همه برپایی شور و غوغا و تداوم جنگ و جنایت – زیر نام طالبان و القاعده و داعش در افغانستان ، فقط بخاطر تأمین منافع مادی نهاد های ذیدخل منطوقی و استقرار حاکمیت پشتونها ، چیز دیگری نیست .

پیشهاد اخلاقی ما از رهبران نهادهای سرمایه جهانی در رأس آمریکا و مجموعه اروپا مستقر در افغانستان ، اینست که آنها باید به آرمان دیموکراسی و آزادی و صلح تمکین گذارند . و اجازه دهند که در کشور ما آرامش و همبستگی ملی برقرار گردد . و یک حکومت مشروع مردم سالار و صاحب استقلال برخاسته از اراده و آرای واقعی مردم بوجود آید .

تا چنین یک حاکمیت سیاسی همه شمول بتواند این همه منابع سرشار زیر زمینی وطن را عاقلانه و در فضای امن مدیریت نماید. در آن مرتبه دولت مشروع همه شمول و مستقل به نمایندگی از همه ای

شهروندان کشور میتواند قرار داد های همکاری متقابل و متعادل اقتصادی و تخریکی و علمی و فرهنگی را جهت باز سازی کشور و استخراج منابع زیر زمینی با کشور های غرب صنعتی بویژه آمریکا و کشورهای اروپایی به امضا رساند . در چنین شرایط خوب و قانونمند مامی توانیم منافع ملی نهاد های سرمایه جهانی را عاقلانه تأمین و ضمانت قانونی نمائیم . مردم ما امنیت ، آزادی ، کار و زندگی می خواهند . امیدواریم که به آرمان مقدس مردم ما ارج گذاشته شود.

به امید آن روزی که تمام شهروندان این سرزمین با غرور و افتخار زیر این شعار:

بیا تا گندم یک دانه باشیم بیا تا آب یک رودخانه باشیم ،

همبستگی و همزیستی خویش را بیابند.

<http://sarzaminearyan.com/wp-content/uploads/2019/06/دراغانستان.pdf>